

قطعات واجب کفن:

سه پارچه اصلی مخصوص کفن عبارتند از:

۱- لنگ (مئزر) که باید از ناف تا زانو را بپوشاند و افضل آن است که از صدر (سینه) تا قدم را بپوشاند.

۲- پیراهنی (قمیص) که باید از سر شانه تا نصف ساق پا را بپوشاند و افضل آن است که تا قدم را فرا گیرد.

۳- سرتاسری (ازار یا لفافه) که باید به اندازه‌ای باشد که تمام بدن را بپوشاند و احتیاط آن است که در طول به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد و در عرض یک طرف آن روی طرف دیگر آید.

آیات عظام: امام، مقام معظم رهبری، خوئی، گلپایگانی، فاضل، مکارم، تبریزی، وحید خراسانی، صافی گلپایگانی: احتیاط واجب است هر کدام از سه پارچه واجب کفن به قدری نازک نباشد که بدن نما باشد و اینکه سه پارچه مجموعاً ساتر باشند بنابر احتیاط واجب کافی نیست.

آیت الله بهجت: نباید هر کدام از سه پارچه واجب کفن به قدری نازک نباشد که بدن نما باشد.

آیات عظام: سیستانی، شاهرودی: احتیاط آن است که هر کدام از سه پارچه واجب کفن به قدری نازک نباشد که بدن نما باشد و در صورتی که سه پارچه مجموعاً ساتر باشند کافی است.

مستحبات کفن: به دو دسته مستحبات مشترک و مستحبات اختصاصی تقسیم می‌شود.

مستحبات مشترک:

۱- لفافه بالای سرتاسری: که تمام بدن میت را می‌پوشاند و بهتر است بردیمانی باشد بلکه لفافه سوئی هم مستحب است خصوصاً برای زنان.

۲- کمر بند: پارچه‌ای که وسط میت را با آن ببندند چه مرد باشد، چه زن، که ظاهراً این کمر بند زیر همه قطعات کفن چسبیده به بدن بسته می‌شود.

۳- ران پیچ: بهتر است عرضش یک وجب یا بیشتر باشد و طول آن به اندازه‌ای باشد که دو ران را کاملاً بپوشاند.

کیفیت بستن ران پیچ: ابتداءً سر پارچه را می‌شکافند و مانند کمر بند دور کمر میت می‌بندند و در طرف جلو گره می‌زنند و پارچه را از عقب از میان دو پای میت بیرون می‌آورند و از زیر کمر بند قسمت جلوی میت ردّ می‌کنند و از سمت چپ میت محکم بر رانهای او می‌پیچند تا به زانو برسد به طوریکه چیزی از دوران نمایان نباشد. سپس سر پارچه را از زیر پا در جانب راست فرو می‌برند. و عمل بعضی ناآگاهان که پارچه را بر هر یک از دوران جدا جدا می‌پیچند اشتباه است.

۴- بندهای کفن: که دو طرف و میانه کفن با آن بسته می‌شود.

مستحبات اختصاصی برای مردان:

۱- عمامه برای مردان: بهتر است به اندازه‌ای باشد که دور سر میت بپیچند و دو طرف آنرا از زیر گردن میت ردّ نمایند و طرف راست را به طرف چپ سینه و طرف چپ را طرف راست سینه اندازند. (حالت ضربدری)

و روایت است که جبرئیل علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: و من کتبه علی کفنه استحی الله أن یعذبه بالنار.

هر کس دعاء جوشن کبیر را بر کفنش نویسد خداوند متعال حیا می کند از اینکه او را با آتش عذاب نماید.

و امام حسین علیه السلام فرمودند: پدرم مرا وصیت نمود به حفظ این دعاء و نوشتن آن بر کفن و اینکه آن را به اهل بیتم تعلیم دهم.

۱۲- نوشتن این دو بیت شعر که امیرالمؤمنین علیه السلام بر کفن سلمان رحمه الله علیه نوشتند:

وفدت علی الکریم بغیر زاد
من الحسنات و القلب السلیم
و حمل الزاد أقبح کل شیء
اذا کان الوفود علی الکریم

۱۳- نوشتن حدیث معروف سلسله الذهب امام رضا علیه السلام با سند آن بر کفن

۱۴- بر نگین انگشتر عقیق شهادتین و اسماء ائمه اطهار علیهم السلام و اقرار به امامتشان را بنویسند بلکه هر چه نفع در آن باشد بدون قصد ورود خوب است.

سید بن طاووس رحمه الله علیه در فلاح السائل می گوید: جدّم و زام بن ابی فارس قدس الله جلّ جلاله روحه از کسانی است که به فعلش اقتداء می شود وصیت نمود که بعد از وفاتش در دهانش نگین عقیقی که اسماء ائمه علیهم السلام حکّ بود قرار دهند. من هم بر نگین عقیق نقش کردم الله ربّی و محمد نبیّی و علی والحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی والحسن و الحجة القائم ائمتی و وسیلتی و وصیت می کنم آنها بعد از مرگ در دهانم گذارند تا این شاء الله جواب ملکین در قبر هنگام سؤال آسان شود.

۱۵- اگر کتابت ادعیه مذکوره با تربت سید الشهداء علیه السلام باشد یا قدری تربت جزء مرکب نمایند بهتر است و اگر نباشد با تربت سایر ائمه اطهار علیهم السلام بنگارند.

۱۶- لازم است کتابت آیات کریمه و اسماء محترمه در محلّهایی باشد که مأمون و ایمن از نجس شدن یا آلوده شدن است. مثل حاشیه سرتاسری یا برد یمانی از طرف سر میت و همچنین در محلّهایی از کفن که عرفاً خلاف ادب و احترام است و اهانت به اسماء متبرکه محسوب می شود ننویسند. و اگر رجاء قرآن و دعاها را بر وصله یا پارچه ای بنویسند و بالای سینه یا بالای سر میت گذارند نیز مطلوب است.

۱۷- آنکه شخص کفنش را قبل از مرگ آماده کند و همچنین سدر و کافور را و مکرر به آن نگاه نماید. و در حدیث است که هر کس کفنش را مهیا کند، او را از غافلین ننویسند و هر زمان به آن نظر کند برایش حسنه نویسند.

روی عن الصادق علیه السلام: من کان کفنه معه فی بینه لم یکتب من الغافلین و کان مأجوراً کما نظر الیه.

۱۸- میت را در وقت کفن کردن مثل حال احتضار رو به قبله بخوابانند و بهتر است آنها مانند حال نماز قرار دهند.

۱۹- کفن کننده پاک از حدث باشد یعنی غسل و وضو داشته باشد.

و اگر کفن کننده خود غسل است، دستهایش را تا آرنج بلکه تا شانه سه بار بشود و همچنین پاهایش را تا زانو بشوید و بهتر است هر جای بدنش را که متنجس شده قبل از تکفین تطهیر نماید.

مکروهات کفن:

- ۱- بریدن آن با آهن (حدید) مثل قیچی آهنی.
- ۲- آستین و تکمه گذاشتن برای کفن کراهت دارد. بلکه اگر متوفی را در پیراهنی که وقت حیات می پوشیده کفن کنند تکمه هایش را بکنند و آستین دار بودن آن اشکال ندارد.
- ۳- ترک کردن نخهایی که با آن کفن را می دوزند با آب دهان کراهت دارد ولی اگر با غیر آب دهان مرطوب شود کراهت ندارد.
- ۴- بخور دادن کفن با بوهای خوش کراهت دارد بلکه خوشبو کردن آن با عطر نیز مکروه است. بلکه خوشبو کردن آن با کافور مستحب است.
- ۵- رنگ کفن سیاه باشد.
- ۶- با رنگ سیاه بر کفن نوشتن.
- ۷- کفن کردن با پارچه از جنس کتان چه خالص باشد و چه ممزوج.
- ۸- چانه زدن در خرید کفن برای کم کردن بهاء آن.
- ۹- عمامه را بدون تحت الحنک بر سر میت پیچیدن.
- ۱۰- کثیف و چرکین بودن کفن.
- ۱۱- دوختن پارچه های کفن مکروه است.

جریده :

جریده چوب درخت خرما است وقتی برگهایش را قطع کنند و از مستحبات مؤکده مخصوص شیعه است و گذاشتن آن با هر میتی مستحب است، فرق نمی کند میت کوچک یا بزرگ باشد مرد یا زن باشد، نیکوکار یا گنهگار باشد. چه از عذاب قبر بر او ترسیده شود یا نه. و در حدیث است که **إِنَّ الْجَرِيدَةَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنَ وَالْكَافِرَ وَالْمُحْسِنَ وَالْمُسِيئَ وَ مَا دَامَتْ رَطْبُهُ يَرْفَعُ عَنِ الْمَيِّتِ عَذَابَ الْقَبْرِ**. جریده، مؤمن و کافر، نیکوکار و بدکار را نفع می دهد و مادامی که تر است عذاب قبر از میت برداشته می شود.

و روایت است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله بر قبری عبور کردند که صاحب آنرا عذاب می کردند پیامبر صلی الله علیه و آله جریده ای خواستند و آنرا دو نیم کردند، یکی را نزد سر میت و یکی را نزد پای او قرار دادند و فرمودند: **يَخْفَفُ عَنْهُ الْعَذَابُ مَا دَامَا رَطْبَيْنِ**. عذاب این میت تخفیف داده می شود تا وقتی که این دو چوب تر است.

و مروی است: **إِنَّ أَدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَهْبَطَهُ اللَّهُ مِنْ جَنَّتِهِ إِلَى الْأَرْضِ اسْتَوْحَشَ، فَسَأَلَ اللَّهَ تَعَالَى أَنْ يُؤَسِّسَهُ بِشَيْءٍ مِنْ أَشْجَارِ الْجَنَّةِ**. فَأَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْهِ النَّخْلَةَ وَ كَانَ يَأْنِسُ بِهَا فِي حَيَاتِهِ فَلَمَّا حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ قَالَ لَوْلَدَهُ إِنْ كُنْتُ أَنْسُ بِهَا فِي حَيَاتِي وَ أَرْجُو الْأَنْسَ بِهَا بَعْدَ وَفَاتِي. فَادَامَتْ فَخَذُوا مِنْهَا جَرِيداً وَ شَقَّوهُ بِنَصْفَيْنِ وَ ضَعُوهُمَا مَعِيَ فِي أَكْفَانِي فَفَعَلَ وَلَدُهُ ذَلِكَ وَ فَعَلْتَهُ الْإِنْبِيَاءُ بَعْدَهُ ثُمَّ أَنْدَرَسَ ذَلِكَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَأَحْيَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ وَ فَعَلَهُ وَ صَارَتْ سَنَةً مُتَّبَعَةً.

وقتی آدم علیه‌السلام از بهشت به زمین فرود آمد وحشت داشت از خداوند متعال خواست او را با درختی از درختان بهشت مأنوس نماید خداوند مَنان برای انس او درخت خرما را مقرر فرمود و آن درخت خرما تا وقت وفاتش انیس او بود، او به اولادش وصیت فرمود که دو جریده در کفن او به جهت انس گرفتن او بگذارند. و این عمل ما بین پیامبران الهی علیهم‌السلام معمول بود اما در زمان جاهلیت متروک شد و رسول خدا صلی‌الله علیه و اله آنرا احیاء نمودند.

احکام جریده:

۱- آیات عظام سیستانی، وحید خراسانی: بهتر است از نخل باشد و اگر میسر نشد از چوب سدر یا انار باشد و اگر ممکن نبود از چوب بید و گرنه هر چوب‌تری کفایت.

آیات عظام امام، فاضل لنکرانی، نوری همدانی: بهتر است از نخل باشد و اگر میسر نشد از چوب سدر باشد و اگر ممکن نبود از چوب بید باشد و اگر ممکن نبود از چوب انار باشد و گرنه هر چوب‌تری کفایت.

آیات عظام خوئی، تبریزی: بهتر است از نخل باشد و اگر میسر نشد از چوب سدر باشد و اگر ممکن نبود از چوب انار باشد و اگر ممکن نبود از چوب بید باشد و گرنه هر چوب‌تری کفایت.

آیات عظام اراکی، گلپایگانی، صافی، بهجت: بهتر است از نخل باشد و اگر میسر نشد از چوب سدر باشد و اگر ممکن نبود از چوب بید یا انار باشد و گرنه هر چوب‌تری کفایت.

۲- چوب خشک برای جریده کافی نیست.

۳- بهتر است طول جریده به مقدار استخوان ذراع باشد و در عرض هر چه کلفت‌تر باشد که دیرتر خشک شود بهتر است.

۴- کیفیت قراردادن دو جریده: بهتر است یکی را چسبیده به بدن، در طرف راست میت، نزد استخوان تر قوه او گذراند تا هر جا برسد. و جریده دیگر را بالای پیراهن و زیر سرتاسری، در طرف چپ، نزد استخوان تر قوه او گذراند تا هر جا رسد و هر چند با قراردادن دو جریده به هر کیفیتی با میت در قبر استحباب محقق می‌شود.

۵- هرگاه به جهت فراموشی یا نبودن چوب جریده با میت گذاشته نشد بالای قبر او قرار دهند. به این نحو که یک جریده را بالای سر میت و دیگری را نزد پاهای او روی قبر قرار دهند.

۶- بهتر است روی دو جریده نوشته شود آنچه که بر حواشی کفن نویسند و لازم است جلوگیری از آلوده شدن دو جرید به آنچه موجب هتک و بی احترامی است هرچند به اینکه آن دو را در پنبه و مانند آن قرار دهند.

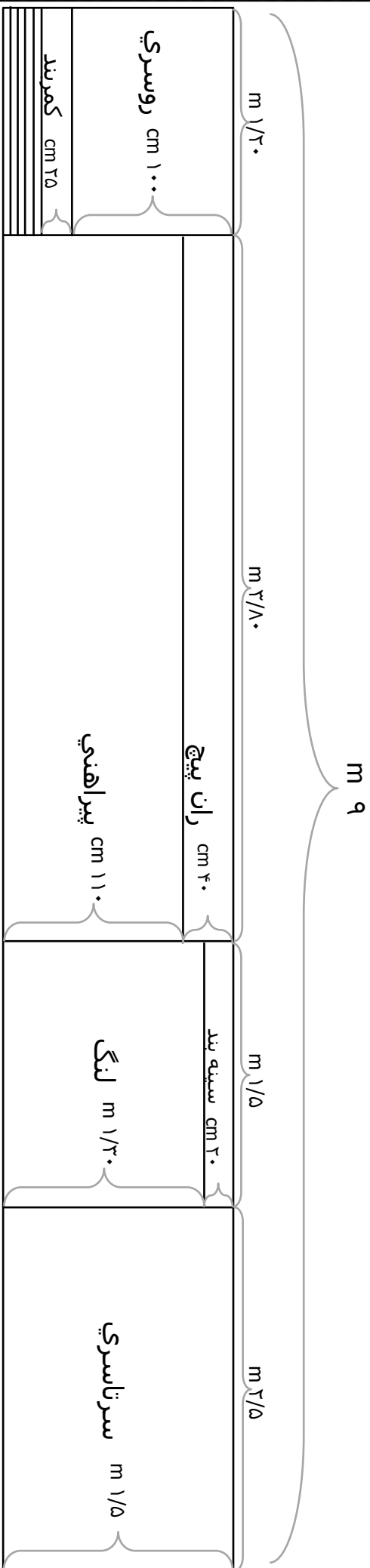
تذکر: شایان ذکر است از آنجا که بعضی از مستحبات مذکور بنا بر اساس قاعده‌ی تسامح در ادله سنن، مستحب شمرده شده است و به نظر جمعی از فقهای معاصر اصل این قاعده محل اشکال است و ثابت نیست لذا عمل به مستحبات فوق الذکر رجاء و بدون قصد ورود مطلوب و مشروع است [۱].

[۱]. منابع: العروة الوثقی با تعلیقه آیات عظام مرحوم امام، اراکی، گلپایگانی، خوئی، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، سیستانی

تحریر الوسيله مرحوم امام - منهاج الصالحین آیات عظام سیستانی، خوئی، تبریزی، وحید خراسانی

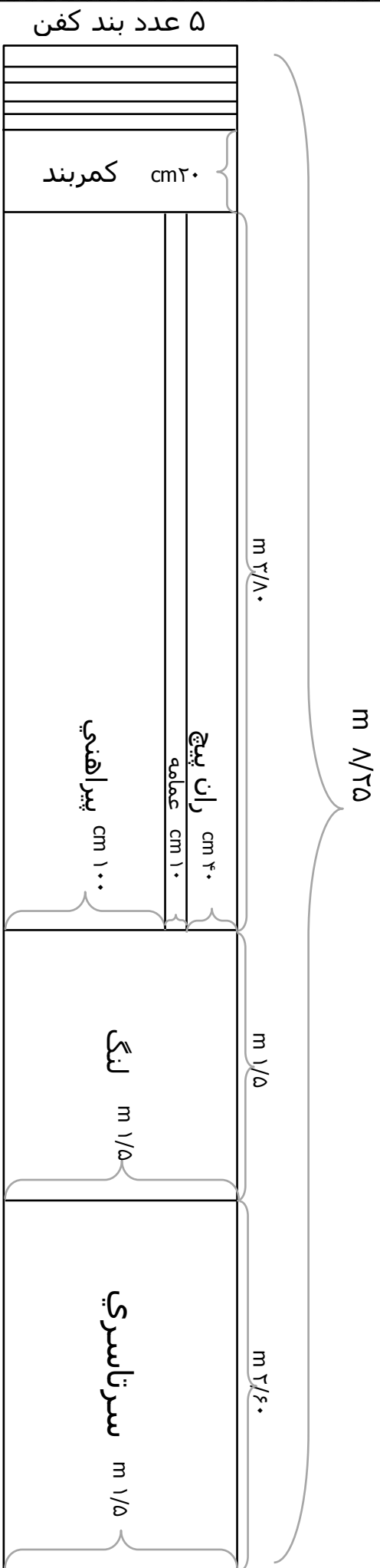
وسيلة النجاة آیت الله بهجت - هداية العباد آیات عظام گلپایگانی، صافی گلپایگانی

الگوی کوچک شده کفن بانوان طول ۹ متر و عرض ۱/۵ متر (اعم از واجبات و مستحبات)



۵ عدد بند کفن

الگوی کوچک شده کفن آقایان طول ۸/۲۵ متر و عرض ۱/۵ متر (اعم از واجبات و مستحبات)



۵ عدد بند کفن